



استاد محترم

تحليل فيلم *Catch Me If You Can*

استاد: جناب آقاي دكتور حميد رضا دانش ناري

درس جرم شناسي مقطع كارشناسي ارشد حقوق جزا و جرم شناسي،

موسسه آموزش عالی شانديز

دانشجو: مهدي يعقوبي

نيمسال دوم تحصيلي ۱۳۹۹-۱۴۰۰

چکیده :

بی شک در طول دوران حیات بشر ، همواره مسائل اقتصادی و معیشتی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بوده است. انسان ها در طول قرن های مختلفی ، با تغییر روش های متفاوت ، در صد کسب اندوخته مالی برای زندگی بهتر ، رفاه و آسایش بیشتر خود و خانواده های خود تلاش نمودند تا با بهره گیری از تلاش و پشتکار بسیار، زندگی راحت و رفاه نسبی را برای خود و خانواده هایشان ایجاد و فراهم نمایند. اگر بخواهیم نقش مهم خانواده و قدرت اقتصادی آن را بررسی کنیم ، ابتدا باید خانواده را یک نماد اجتماعی دانست. چون همانند آینه ای عناصر اصلی جامعه را در خود دارد و انعکاسی از نابسامانی های اجتماعی است. گذشته از این خانواده از اهم عوامل موثر بر جامعه است. همچنین در پرتوی نظریه انتخاب عقلانی ، مجرم به بررسی و ارزیابی دقیق اعمال مجرمانه پرداخته و سپس با بهره گیری از هوش بالای خود ، راهی را برای مقاصد مجرمانه خود انتخاب می نماید . در فیلم **Catch Me If You Can** ، مشخصا آنچه که فرانک را تبدیل به یک مجرم فوق حرفه ای می نماید تاثیر مشکلات اقتصادی خانواده ، حمایت پدر فرانک ، هوش بالا و اعتماد به نفس بالای وی ، موثر است.

واژگان کلیدی : خانواده ، اقتصاد ، نظریه انتخاب عقلانی ، فرانک ، با هوش ، ارزیابی

مقدمه :

آنچه مه مسلم است ، هرگز هیچ جامعه ای نمی تواند به سلامت رسد مگر آنکه از خانواده هایی سالم برخوردار باشد. اگر بخواهیم ، تعریفی از اقتصاد خانواده داشته باشیم می توان چگونگی سازمان دهی و مدیریت منابع خانه تعریف کرد. می توان فهرست کاملی از زمان، پول، فضای زندگی و... تهیه کرد. شاید اقلام این فهرست متفاوت به نظر برسد، ولی همه آنها دارای یک ویژگی مشترک هستند. ویژگی همه این اقلام در زندگی امروز این است که کمیاب هستند. حتما شنیده اید که مردم می گویند ای کاش وقت بیشتری داشتم، ای کاش خانه بزرگ تری داشتم، ای کاش پول بیشتری داشتم و... . هرچند که خانواده به غیر از منابع مادی، منابعی نظیر عشق،

وحدت خانواده، خاطرات خوش، لحظه‌های شادمانه خانوادگی و... در اختیار دارد که قابل تبدیل به پول نیست اما نقش منابع مادی هم آن قدر اهمیت دارد که کارشناسان مدیریت اقتصاد، خانواده را یکی از ارکان تحقق رویای خوشبختی و موفق عنوان می‌کنند. اینکه چه و چه قدر مصرف کنیم، چه کسی کار کند، چند ساعت کار کند، در کجای شهر زندگی کنیم، آپارتمان داشته باشیم با چند اتاق و... پرسش‌هایی است که هر روز در خانواده‌ها مطرح است. پاسخ به همه پرسش‌های بالا مستلزم تصمیم‌گیری و انتخاب است و به همین دلایل باید گفت انتخاب، قلب اقتصاد خانواده است. چگونگی توزیع منابع در دسترس خانواده، بین اعضای آن بسیار مهم است. واضح است اگر یکی از اعضای خانواده قسمت بیشتری از درآمد خانواده را به خود اختصاص دهد، سهم کمتری برای دیگری می‌ماند و به همین ترتیب پی به این مساله می‌بریم که اقتصاد و وضعیت مادی یک خانواده چقدر اهمیت و مهم می‌باشد.

بهترین و اقتصادی‌ترین انتخاب برای خانواده، انتخابی است که بیشترین رضایت خاطر (خشنودی) را برای خانواده به بار آورد. اقتصاددانان به جای رضایت خاطر از یک اصطلاح علمی به اسم مطلوبیت استفاده می‌کنند. آنها می‌گویند بهترین انتخاب، انتخابی است که بیشترین مطلوبیت را برای خانواده ایجاد کند. اقتصاد خانواده تنها محدود به خانواده‌های مرفه و ثروتمند نیست. این علم برای اقشار کم‌درآمد که اتفاقاً دخل و خرجشان همخوانی ندارد کاربردهای بیشتری خواهد داشت. از نکات قابل توجه در اقتصاد خانواده این است که افزایش درآمد، به معنی بهبود معاش خانواده نیست بلکه افزایش درآمد افزایش هزینه‌ها را به دنبال خواهد داشت بلکه مدیریت هزینه‌هاست که هنر گردانندگان اقتصاد خانواده را آشکار می‌کند. خانواده‌ها نمی‌توانند هنگام مواجهه با کمبود بودجه‌شان یک متمم بودجه بیاورند و هزینه‌های اضافی را حذف کنند بنابراین باید قادر باشند هزینه‌ها را مدیریت کنند. آنچه اقتصاد خانواده را منحصر به فرد می‌کند وجود ارتباطات درونی بین نقش‌های شغلی و خانوادگی است. با این وجود نباید فعالیت‌های اقتصاد خانواده را شوخی و سرگرمی دانست بلکه باید با جدیت و برنامه‌ریزی دقیق آنها را پیگیری کرد. این بدان معناست که تمام اعضای خانواده موظفند از سیاست‌های اقتصادی خانواده در جهت پیشبرد اهداف آن تبعیت کنند. مدیریت اقتصادی خانواده در شرایط عادی باید براساس میزان درآمدهای هر یک از اعضای خانواده و هزینه‌ها تنظیم شود. همان طور که در خانواده، والدین باید مدیریت عاطفی، روانی و اجتماعی را اعمال کنند، در بحث هزینه‌کردن و ایجاد تعادل بین دخل و خرج نیز نیاز به مدیریت است.

در جوامع کنونی، مسائل مالی و اقتصادی یک خانواده، از اهمیت بسیار بالایی در رشد و تعالی فرزندان، برخوردار است. بطوری که، زمینه ساز بزه و جرم در سطح جامعه در بیشتره جرایمی که اتفاق می افتد، وضعیت بده اقتصادی و پایین بودن سطح رفاه خانواده می باشد. که خود نیز انگیزه ارتکاب بزه و جرم را برای فرزندان ایجاد می نماید.

نظریه انتخاب عقلانی، بر این فرض استوار است که مجرمان بالقوه زیادی «در بیرون» در جامعه وجود دارند. از این رو باید شرایط خاصی که پیش می آید تا شخص تصمیم بگیرد جرم را مرتکب شود شناسایی کنیم. وقتی چنین شرایطی شناسایی شوند می توان مداخله هایی برای پیشگیری از ارتکاب جرم طراحی کرد. شاید تعجب انگیز نباشد که باید بیشترین تمرکز خود را صرف جرم های «متداول» مانند دزدی و آسیب های مجرمانه کنیم. واضح است که یک دزد می تواند یک دارایی خاص را انتخاب کند و در زمان های مشخصی از روز، آن را زیر نظر بگیرد آیا این دارایی به کسی تعلق دارد یا خیر؟ و آیا سیستم امنیتی از آن مراقبت می کند یا خیر؟ از این رو، یک دزد خیابانی ممکن است این چیزها را نوعی قربانی در نظر گیرد. نظریه ی انتخاب عقلانی رویکردی علمی-اجتماعی است که پدیده های اجتماعی را برحسب تصمیمات آگاهانه ای که افراد با توجه به علاقه و منفعتشان می گیرند، تبیین می کند. یکی از مفروضات کلیدی این نظریه مفهوم کنشگر هدفمند است. نظریه پردازان انتخاب عقلانی کنشگران اجتماعی را به مثابه ی موجودات متمایزی مجسم می کنند که از رشته اعمال جایگزین برایشان و نیز پیامدهای احتمالی آنها آگاهی دارند. این گونه درک می شود که این کنشگران ترجیحات معینی دارند (به عنوان مثال، خواسته ها، اهداف) که در یک نظم سلسله مراتبی سازماندهی شده است؛ به طور مثال، کنشگر بین دو جایگزین الف و ب، هم می تواند الف را به ب ترجیح دهد و هم می تواند ب را به الف ترجیح دهد یا اصلاً انتخاب نکند. عاملان اجتماعی در کنش هایشان به دنبال دستیابی به اهداف آنی سازگار با ترجیحاتشان هستند. به عبارت دیگر، کنش های عاملان اجتماعی ارادی است و ترجیحات کنشگر را منعکس می کند.

در نظریه انتخاب عقلانی، که یک رویکرد کاملاً مادی و در واقع سکولار و ماتریالیستی می باشد، یک مجرم همیشه به دنبال ارزیابی است. این ارزیابی می تواند شامل تجزیه و تحلیل هزینه جرم و سود یا منفعت ارتکاب جرم باشد. به زبان ساده تر، مطابق این نظریه، ابتدا مجرم بصورت

دقیق منفعت جرم را در نظر می گیرد و سپس با فراهم نمودن وسایل مجرمانه و ارزیابی دقیق ، عمل مجرمانه را انجام می دهد.

خلاصه فیلم :

در فیلم Catch Me If You Can (اگه میتونی منو بگیر) با مجرمی رو به رو هستیم که دقیقاً مطابق نظریه انتخاب عقلانی عمل می نماید. داستان فیلم درمورد زندگی نامه ی فرانک ابگنیل است، کسی به خاطر سابقه فعالیتش به عنوان جاعل چک، کلاهبرداری و حقه های فرارش از دست ماموران شهرت دارد. او در ۱۶ سالگی توانسته بود چک های جعلی که مجموعاً به مبلغ ۴ میلیون دلار آمریکا ارزش داشت را در ۲۶ کشور جهان نقد کند، به طوری که هیچ بانکی قادر به تشخیص جعلی بودن چک های او نبود و تا ۱۸ سالگی، بیش از ۲۵۰ پرواز انجام داد و در ۲۶ کشور جهان کلاهبرداری کرد.



فرانک ابگنیل که نقش شخصیت اصلی این داستان را ایفا می کند ، یک شخص باهوش ، زیرک و بسیار پر تلاش است که در خانواده ای نسبتاً مرفه رشد و نمو پیدا می کند که بدلیل مسائل اقتصادی خانواده خود (ورشکستگی پدر) به فکره بزه و ارتکاب جرم می افتد. همانطور که سابقاً اشاره شد ، امروزه زندگی ما انسان ها وابسته به پول است و بسیاری از خانواده ها با مشکلات مالی و گرانی رو به رو هستند. در این فیلم حس و حال یک فرد ورشکسته را درک میکنیم که امیدش را از دست داده و کار و سرمایه اش نابود شده و در این شرایط به کسی نیاز دارد تا او را به زندگی و آینده امیدوار کند.



فرانک که از هوش و فکره خود بسیار بهره می برد ، ابتدا با بررسی دقیق و ارزیابی کامل محیط پیرامون خود ، به ارتکاب جرم و بزه اقدام می نماید. در سکانسی از فیلم که بطور مشخص به نمایش می آید ، خانواده فرانک بدلیل مسائل اقتصادی و مالی ، مجبور به فروش خانه و سایر لوازم می شوند و ناگزیر به مکان و منزل جدیدی که بسیار کوچک است نقل مکان می کنند. به تدریج فشاره مسائل اقتصادی به روابط پدر و مادر فرانک تاثیر می گذارد و نهایتا مادر فرانک ، از همسرش جدا می شود و با مردی ازدواج می نماید که همکاره همسرش بود اما با سطح رفاه اقتصادی بالا!



اگر بخواهیم نقش پدر فرانک را در ساختن شخصیت بزهکار فرانک بررسی کنیم ، باید بگوییم که پدر فرانک با حمایت ویژه از اعمال پسرش ، نقش بسزایی را در ساختن یک مجرم فوق حرفه ای دارد و همواره با حمایت پسرش و دادن اعتماد به نفس به وی ، شخصیت فرانک را در جامعه به عنوان یک شخص قوی و انسان کاملا مستقل ، می سازد. او که با فراره مالیاتی سنگینی رو به رو هست به فرانک آموزش می دهد که چگونه با اعتماد به نفس بالای خود می تواند اقدام به دریافت تسهیلات بانکی نماید!



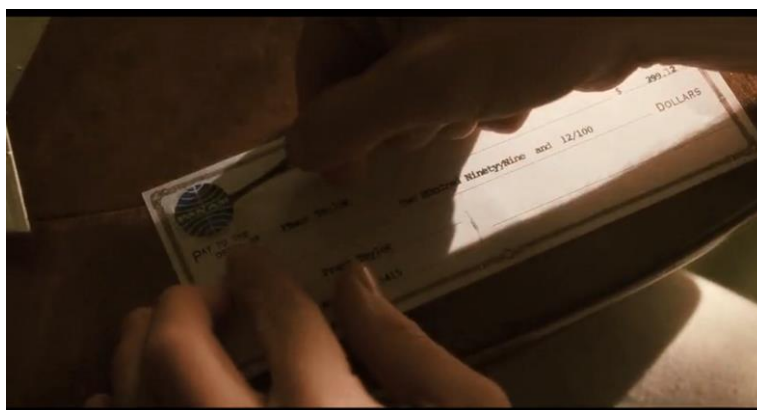
در سکانسی از این فیلم ، پدره فرانک با افتتاح حساب بانکی و تهیه دست چک برای او ، شیوه مدیریت اقتصادی را به وی آموزش می دهد که او مجذوب اوراق چکی می شود که بانک صادر نموده است. با نگاه دقیق او بر روی اوراق چک ، پی به این می برد که چگونه می توان چکی را که به این صورت دقیق چاپ شده است ، جعل نمود.



پس از تصمیم جدایی مادر فرانک و فرار کردن فرانک از خانه ، فرانک خانه را ترک می کند و اطرافش را پر از آدم های مختلف می بیند تا جای خالی پدر و مادرش با آنها پر شود اما در واقع فرانک تنها بود و شاید به همین دلیل بود که شبهای کریسمس به مامور “هنرانی” تلفن میزد.



در ادامه فیلم شاهد آن هستیم که فرانک مجبور به اقامت در هتل می شود و به دلیل اینکه پولی برای پرداخت هزینه هتل را نداشت ، اقدام به جعل چک می نماید. او ابتدا بصورت آزمایشی با تغییر در تاریخ و مندرجات چک سعی در مخدوش کردن و تغییر مندرجات آن می نماید و با تغییر نام خود و اسم بانک ، اقدام به خرج نمودن چک ها می نماید.



فرانک که از اعتماد به نفس بالایی برخوردار است ، با بهره گیری از معاشرت و قدرت تکلم بالا ، سعی در کسب اطلاعات و نحوه ورود به یکی از بزرگ ترین شرکت های هواپیمایی را به عنوان خلبان را دارد تا به جایگاه اجتماعی بالایی نیز دست پیدا کند.



در حین کسب اطلاعات ، متوجه می شود که برای خلبان شدن نیازمند به داشتن کارت خلبانی می باشد که او این کارت را هم مطابق نمونه جعل می نماید.

در ادامه با سکانس های مختلفی رو به رو می شویم که فرانک با اعتماد به نفس بالا و دادن هدیه به افرادی که در جایگاهی قرار دارند که می توان عمل مجرمانه او را آسان تر کنند ، سعی در ارتباط صمیمی و در مواردی بازی با احساسات آنان اقدام می کند که در موارد متعددی با این متد موفق به کسب اطلاعات بیشتری می شود.



او که از هوش بالایی برخوردار است ، ابتدا برای هر عمل به ظاهر ساده ای ، خوب فکر ، تجزیه و تحلیل ، ارزیابی دقیق می کند و با دقت فراوان سعی در انجام عمل مجرمانه دارد. همانطوری که دقیقا در نظریه انتخاب عقلانی یک مجرم همیشه یک ارزیاب است و هزینه و منفعت یک جرم را مورد بررسی قرار می دهد و سپس اقدام به جرم می نماید.



پس از کسب موقعیت اجتماعی مناسب ، اعتماد به نفس فرانک به نحوه چشمگیری افزایش پیدا می کند و خود را علاوه بر یک معلم و خلبان ، در موقعیت های شغلی مختلفی همچون پزشک و وکالت می بیند. اگر بخواهیم رمزه موفقیت فرانک را در یک عبارت کلیدی وصف کنیم ، اعتماد به نفس بالای او می باشد. این اعتماد به نفس در واقع تبدیل به محرکی برای شجاع بودن و شهامت او می شود. به طوری که حتی دروغ ساده از وی ، حقیقتی کامل را برای اشخاص پیرامون خود می ساخت.



هدف فرانک از جعل اوراق مختلف (بالخصوص چک) و به طور کلی اعمال مجرمانه ، سود و منفعتی بود که خیلی زود و در بازه کم ، سعی در گرد هم آوردن اعضای خانواده خود داشت . همان سود و منفعتی که دقیقا در نظریه انتخاب عقلانی با آن رو به رو هستیم و یک مجرم ، بخاطره همین سود و منفعتی که ناشی از جرم می شود ، دست به ارتکاب جرایم مختلفی می زند.



فرانک که از هوش بالایی برخوردار بود ، در چند مقطع موفق به فرار از دست پلیس ها شد که نهایتاً توسط مامور “هنراتی” دستگیر شد. او که هوش بسیار بالایی در زمینه جعل چک داشت و با دقت بسیار بالایی این عمل را انجام می داد در حین گذراندن دوران محکومیت خود ، بنا به پیشنهاد تام هنکس در بخش جرایم مالی اداره پلیس استخدام می شود ، تا پلیس از نبوغ و استعداد او در جهت تشخیص چک و اسکناس های تقلبی استفاده نماید. اقدامی که نه تنها سبب منفعت برای پلیس می شود بلکه جهت بازپس گیری شخصیت بزهکار در سطح جامعه ، کمک شایانی می کند و در بحث اعاده بزهکار به جامعه ، نقش بسزایی را اعمال می کند.



نتیجه گیری :

همانطور که اشاره گردید ، خانواده اصلی ترین نهاد تعلیم و تربیت انسان در سطح جامعه می باشد و خانواده نقش بسزایی در شکل گیری شخصیت فرزندان دارد. فرزندی که با عبور از مراحل مختلف سنی ، به سطوح مختلف جامعه برخورد ، و واکنش های متفاوتی را از خود نشان می دهند. معیشت ، قدرت و خرید و بطور کلی وضعیت اقتصادی یک خانواده ، اگر نگوئیم تاثیر بسیار مهمی در فرزندان امروز دارد ، بی شک گزافی گویی نکردیم . آنچه که در این فیلم مشاهده شد ، بیانگر رابطه مستقیم وضعیت اقتصادی یک خانواده با شکل گیری افکار و در نهایت اعمال مجرمانه است . در پرتو نظریه انتخاب عقلانی ، مجرم به بررسی و ارزیابی دقیق اعمال مجرمانه پرداخته و سپس با بهره گیری از هوش بالای خود ، راهی را برای مقاصد مجرمانه خود انتخاب می نماید که کمترین خطر را برای خود به همراه داشته ، هرچند که می داند در آخر در برابر قانون تسلیم می شود. آنچه که در این نظریه باید توجه داشت ، ساختار جرم و ساختار مجرمانه

تأثیر مستقیم در ارتکاب جرم دارد . به این معنی که جرایم پیچیده ای از قبیل کلاهبرداری توسط یک مجرم ساده رخ نمی دهد . به عنوان مثال یک جیب بر ساده هرگز نمی تواند مرتکب جرم کلاهبرداری و یا اختلاس شود . نکته ای که تماما در این فیلم قابل مشاهده بود. به عنوان یک نتیجه گیری نهایی از این فیلم ، نه تنها باید از نقش خانواده غافل شده ، بلکه باید از هوش بالای و ارزیاب کننده قوی این گونه مجرمین نیز غافل نبود . مطلب مهمی که مبنای اصلیه نظریه ی انتخاب عقلانی می باشد و علی الاصول بر آن استوار است .

با تشکر فراوان از زحمات استاد گرانقدر جناب دکتر حمید رضا دانش ناری